

6. «خداوند را حینی که یافت می شود بجوید، و تا زمانی که نزدیک است او را بخوانید.

7. شریر راههای خود را ترک گوید، و شخص بدکار افکار خویش را؛ به سوی خداوند بازگردد، که بر وی رحم خواهد کرد؛ و به سوی خدایمان بیاید، که او را به فراوانی خواهد آمرزید.»

8. خداوند می فرماید: «افکار من افکار شما نیست، و نه راههای من، راههای شما.

9. زیرا چنانکه آسمان از زمین بلندتر است، راههای من نیز از راههای شما و افکار من از افکار شما بلندتر است.

6. Seek the Lord while He may be found; Call on Him [for salvation] while He is near.

7. Let the wicked leave (behind) his way And the unrighteous man his thoughts; And let him return to the Lord, And He will have compassion (mercy) on him, And to our God, For He will abundantly pardon.

8. "For My thoughts are not your thoughts, Nor are your ways My ways," declares the Lord.

9. "For as the heavens are higher than the earth, So are My ways higher than your ways And My thoughts higher than your thoughts.

10. چنانکه باران و برف از آسمان می بارد، و دیگر
بدان جا بازمی گردد، بلکه زمین را سیراب کرده، آن را بارور
و برومند می سازد، و برزگر را بذر و خورنده را نان
می بخشد،

11. همچنان خواهد بود کلام من که از دهانم صادر
می شود؛ بی ثمر نزد من باز نخواهد گشت، بلکه آنچه را
خواستم به جا خواهد آورد، و در آنچه آن را به انجامش
فرستادم کامران خواهد شد.

12. زیرا شما با شادمانی بیرون خواهید رفت، و به
سلامتی هدایت خواهید شد. کوهها و تلهای پیش روی شما
بانگ شادی سر خواهند داد، و همه درختان صحرا
دستک خواهند زد.

10. For as the rain and snow come down from
heaven, And do not return there without watering
the earth, Making it bear and sprout, And providing
seed to the sower and bread to the eater,

11. So will My word be which goes out of My
mouth; It will not return to Me void (useless,
without result), Without accomplishing what I
desire, And without succeeding in the matter for
which I sent it.

12. For you will go out [from exile] with joy And be
led forth [by the Lord Himself] with peace; The
mountains and the hills will break forth into shouts
of joy before you, And all the trees of the field will
clap their hands

خطبه 12 فوریه 2023 اشعیا 55، 6-12
لکتور هلموت هایلند

1. بنی اسرائیل در روزگار اشعیا به شدت نیازمند بودند. آنها اخراج شدند، خانه هایشان ویران شد، طبقه حاکم در تبعید، همه از اموالشان غارت شدند، و هویت آنها به عنوان مردم زیر سوال رفت. دلیل: آنها دیگر بر مرکز فرهنگی و معنوی، معبد اورشلیم به خدای اسرائیل تمرکز نکردند. دنبال خدایان بیگانه دویده بودند. رفتن به دنبال بت ها به مراسم قربانی محدود نمی شد. با نگرش متفاوت به زندگی، اخلاق متفاوت و اعمال و کردار متفاوت همراه بود.

Sermon for 12 February 2023 on Isaiah
55, 6-12 Lector Helmut Heiland

1. In Isaiah's time, the Israelites were in an acute situation of distress. They were exiled, their homeland destroyed, the leadership in exile, all deprived of their property, and their identity as a people was in question. The reason: they had no longer focused on the cultural and spiritual centre, the temple in Jerusalem with the God of Israel. They had gone after foreign gods. Chasing after idols was not limited to sacrificial rituals. It was connected with a different attitude to life, a different morality and different actions and deeds.

2. امروز چطور هستیم؟ آیا ما هم در شرایط اضطراری هستیم؟ در حال حاضر نشانه هایی از آن در مراقبت های بهداشتی، مدرسه، حمل و نقل، سیاست خانواده وجود دارد. یک سیاستمدار در مصاحبه ای آلمان را ایالتی می نامد که دیگر به خوبی کار نمی کند. کارآفرینان می گویند که برای مدت طولانی در زیرساخت های عمومی مانند جاده ها، پل ها، خطوط راه آهن و ساختمان های عمومی سرمایه گذاری بسیار کمی انجام شده است.

2. How are we today? Are we also in a predicament? There are already signs of it, in health care, school education, transport, family policy. In an interview, a politician calls Germany a state that no longer functions well. Entrepreneurs say that for a long time too little has been invested in public infrastructure such as roads, bridges, railways and public buildings.

3. این بحران ها به نگرش های مشکل ساز در کشور ما نیز مربوط می شود. تمرکز بر سودآوری است و نه نیازهای مردم. کار بیشتر و بیشتری به سمت مردم عادی سوق داده می شود و دیجیتالی شدن به این امر کمک می کند. به عنوان مثال، کار اداری با پرینت گرفتن و پر کردن بلیط ها، بلیط ها، فرم ها و گواهی ها در خانه به مشتریان منتقل می شود. به زبان عهد عتیق: ما به دنبال بت های سود، سودآوری، ثروت می دویم. شعار تبلیغاتی این نگرش را بیان می کند: بالاخره من احمق نیستم... هر چه که بتوانم با خودم می برم.

3. These crises are also linked to problematic attitudes in our country. The focus is on economic efficiency and not on the needs of the people. More and more, work is being shifted to ordinary people, and digitalisation is helping. For example, administrative work is being shifted to the customers by making them print out and fill out tickets, forms, certificates themselves at home. In the language of the Old Testament: we run after the idols of profit, profitability, wealth. This attitude is expressed by the advertising slogan: "I'm not stupid after all ..." I'll take anything I can get.

4. همزیستی در جامعه نیز دچار بحران شده است. بارها و بارها گزارش هایی در روزنامه ها منتشر می شود که سالمندان و بیماران را تنها می گذارند، پیوندهای خانوادگی در حال فروپاشی است، که تنهایی به یک مشکل بزرگ تبدیل می شود. مردم بی رحم تر می شوند، به عنوان مثال. به عنوان مثال، اپراتورهای رستوران شکایت دارند که میزها و اتاق ها رزرو شده است و پس از آن مردم بدون لغو اول حضور پیدا نمی کنند.

4. The coexistence of society is also in crisis. Again and again, reports appear in the newspapers that the old and the sick are left alone, that family cohesion is crumbling, that loneliness is becoming a major problem. People are becoming more inconsiderate, e.g., restaurant owners complain that tables and rooms are reserved and then people don't show up without cancelling in advance.

5. اخبار نشان می دهد که مانع یا حتی حمله به آتش نشانان، پلیس و امدادگران می شود. این لحن نیز خشن تر می شود، بنابراین پلیس کمیسیون های ویژه ای را علیه جنایات ناشی از نفرت تشکیل داده است. کارکنان اضافی برای خنثی کردن یا جلوگیری از خشونت استخدام می شوند. امروزه در هر مدرسه بزرگتر معلمان اجتماعی برای این منظور وجود دارند.

5. The news shows that fire brigades, police and rescue workers are obstructed or even attacked. The tone is also getting rougher so that the police have set up special commissions against hate crime. Extra staff are hired to defuse or prevent violent incidents. Every larger school now has social educators for this purpose.

6. امروزه نیز اغلب یک سرویس امنیتی در عموم وجود دارد، در ایستگاه های قطار ، در رویدادهای مهم، در سوپرمارکت، در بازار کریسمس و حتی در پارک شهروند. اگر خیلی چیزها دیگر به خودی خود کار نکنند، می توانیم از یک وضعیت بحرانی صحبت کنیم. با این حال، وضعیت در مورد ما به اندازه اسرائیلی ها پیشرفته نیست.

6. There is also often a security service running around in public today, at larger train stations, at larger events, in the supermarket, at the Christmas market and even in the park. When many things no longer work by themselves, we can speak of a crisis situation. But the situation is not yet as bad as it was for the Israelites.

7. اشعیا در مقدمه متن موعظه ما، در آیات 1-2،
بنی اسرائیل را دعوت می کند که دوباره خدا را
جستجو کنند، زیرا چیزهای خوب در او رایگان
است: «خداوند را بجوید، اکنون او پیدا می شود!
او را صدا کن، اکنون او نزدیک است!» خدا نه تنها
در آن زمان در اسارت بابل نزدیک بود، بلکه اکنون
نیز نزدیک است. همیشه و در هر موقعیتی او
نزدیک است و ما می توانیم او را صدا بزنیم. نیازی
به پیش ثبت نام نداریم او همیشه آماده است،
منتظر درخواست ماست، می خواهد به ما کمک
کند.

7. In the preface to our sermon text, in
verses 1-2, Isaiah calls on the Israelites to
seek God again, because with him good
things are free: "Seek the Lord, now is he
found! Call to him, now he is near!" Not
only then in the Babylonian captivity
was God near, also now he is near. He is
always near, in every situation, and we
can call upon him. We don't need any
advance notice. He is always ready,
waiting for our request, wanting to help
us.

8. اما آنطور که به نظر می رسد آسان نیست. خودمان باید کاری کنیم. یعنی شیر از راه خود و بدکار از افکار خود برگردند و به سوی خداوند باز گردند. (اشعیا 55:7) در اینجا به وضوح بیان می شود که شر فقط در اعمال خود را نشان می دهد، اما دلیل آن قبلاً در افکار و مسیر طی شده نهفته است. عیسی همچنین در موعظه روی کوه به ما اشاره می کند که افکار نقطه شروع شر هستند: به عنوان مثال، زنا، فقط با اقدام شروع نمی شود، بلکه با نگاه های حسرت آمیز و افکار در مورد آن. نفرت، حسادت یا افکار انتقام جویی خاکی است که قتل در آن رشد می کند.

8. But it's not as easy as it sounds. We have to do something ourselves. Namely: "Let the wicked forsake his way, and the transgressor his thoughts, and turn unto the LORD." (Isaiah 55:7) Here it is clearly expressed that the evil only shows itself in the deeds, but the reason for it already lies in the thoughts and the chosen path. Jesus also points out in the Sermon on the Mount that thoughts are the starting point of evil: Adultery, for example, does not begin with the act of committing it, but already with covetous looks and thoughts about it. Hatred, envy or thoughts of revenge are the soil on which murder thrives.

9. اگر می‌خواهیم بحران، وضعیتمان را تغییر دهیم، ابتدا باید افکارمان را تغییر دهیم. «هر که راه خود را رفته و بر خداوند عصیان کرده است، افکار شیطانی خود را رها کرده و به سوی خداوند بازگردد.» اشعیا برای پیشبرد بر اساس نقشه‌های خود، طغیان علیه خدا و راه‌های حاصل از آن را راه‌های شیطانی می‌نامد. حتی امروز، اغلب در جامعه ما به خدا فضایی داده نمی‌شود. نمادهای مسیحی گاهی از دید عموم منع می‌شوند، مانند صلیب در ساختمان‌های عمومی.

9. If we want to change our crisis, our situation, we must first change our thoughts. "He who has gone his own way and rebelled against the LORD, let him leave his evil thoughts and turn back to the LORD." Going according to one's own plans is what Isaiah calls rebellion against God here, and the resulting ways he calls evil ways. Even today, God is often not given space in our society. Christian symbols are sometimes banned from public places, such as crosses in public buildings.

10. چه چیزی افکار ما را هدایت می کند؟
واژه‌های پرکاربرد عبارتند از خودآگاهی، ابراز
وجود، توسعه خود. همیشه به خود آدم
مربوط می شود نه همسایه، نه اقوام و نه
جامعه. خود محور بزرگ است. بنابراین
افکار ما حول محور خود می چرخد و این
منجر به خودپسندی و خودخواهی می شود.
تمرکز بر خود و منافع خود منجر به تمام بحران
ها می شود. آن وقت منفعت خودت همیشه
کانون فکر و عمل است.

10. What determines our thoughts today?
Much used buzzwords are self-realization,
self-assertion, development of the self. It is
always about the self and not about the
neighbor, not about the relatives and not
about the community. The self is the great
pivot. So, our thoughts revolve around the
self, and that leads to selfishness, to egoism.
Focusing on oneself and one's own benefits
leads to all the crises. Then one's own
benefit is always the focus of thought and
action.

11. آنچه می تواند اتفاق بیفتد وقتی مردمی به بت های مدرن خودخواهی در قالب خود تعیین کننده نمی چسبند، می توان دید که در آن ایمان مسیحی نیز زندگی عمومی را تعیین می کند. به عنوان مثال، در برخی از شهرهای بزرگ، همه افراد بالای 70 سال می توانند به صورت رایگان با تمام وسایل نقلیه عمومی سفر کنند. در اتوبوس ها و ترامواها چهره های بداخلاق نمی بینید و وقتی به عنوان یک فرد مسن سوار وسیله ای برای حمل و نقل می شوید، بلافاصله یک نفر بلند می شود و صندلی خود را پیشنهاد می کند. در اینجا تأیید می کنیم که خدا از طریق اشعیا می گوید: به من گوش کن تا از چیزهای خوب لذت ببری و از چیزهای خوشمزه ضیافت کنی. پس شاد زندگی میکنی! (اشعیا 2:55 ب)

11. How it can become when a nation does not adhere to the modern idols of selfishness in the form of self-determination can be seen where the Christian faith also determines public life. In some large cities, for example, all people over the age of seventy can travel free of charge on all means of local transport. In buses and trams you don't see any grumpy faces, and if you enter a means of transport as an old person, someone immediately stands up and offers you a seat. Here we find confirmation of what God tells us through Isaiah: "Listen to me, and you will enjoy good things and feast on delicacies. So, you will live joyfully!" (Isaiah 55:2b)

12. ما اغلب در راه خود لنگ می زنیم. اما اگر به خدا اعتماد کنیم و کارهایی را به او واگذار کنیم، خیلی چیزها ممکن است که نمی توانیم تصور کنیم. "افکار من - خداوند می گوید - نمی توان با افکار شما سنجید و امکانات من را با امکانات شما نمی سنجد. تا آنجا که آسمانها بالاتر از زمین است، افکار من تا کنون فراتر از هر چیزی است که تصورش را بکنید، و تا کنون امکانات من از هر چیزی که شما ممکن می پندارید فراتر رفته است." (اشعیا 55:8+9) خدا امکانات بسیار متفاوتی نسبت به چیزها دارد. می توانیم تصور کنیم اگر راه ما را قطع کند، ممکن است ما را در مسیر اشتباه متوقف کند تا فرصتی برای برگشتن و انتخاب مسیر بهتر داشته باشیم.

12. We often get bogged down in our own ways. But if we trust God and let Him, do it, many things are possible that we cannot imagine. "My thoughts - says the LORD - are not to be measured by your thoughts, nor my ways by your ways. As high as the heavens are above the earth, so far do my thoughts reach beyond anything you devise, and so far, do my possibilities surpass anything you think possible." (Isaiah 55:8,9) God has very different possibilities than we can imagine. When He interrupts our paths, He may stop us on the wrong way so that we get the opportunity to turn around and take a better path.

13. پس از بازنشستگی می خواستم به عنوان شغل آزاد به کار ادامه دهم، معلمان بازنشسته جستجو و مورد تقاضا بودند. اما هر چه تلاش کردم جواب نداد. با این وجود، کار پیدا کردم: دوستی تنیس بازی می کرد و شریک زندگی او مدیر یک مدرسه ابتدایی بود. او یک بار در گفتگو شکایت کرد که به یک معلم پشتیبانی نیاز فوری دارد. دوستم این را به من گفت، زنگ زدم و خودم را معرفی کردم. اگرچه این مسیر رسمی نبود و با وجود اینکه یک موقعیت مالی نه در نظر گرفته شده بود و نه تایید شده بود، من این کار را پیدا کردم. اگرچه تامین مالی تامین نشد، من به مدت شش سال در آنجا کار کردم و موارد مشکل را تبلیغ کردم، مسیری که همیشه باز شد.

13. After I retired, I wanted to continue freelancing, retired teachers were sought and courted. But everything I tried did not work out. Nevertheless, I got a job: a friend played tennis and his partner was the headmaster of a primary school. He once complained in conversation that he urgently needed a support teacher. My friend told me about it, I called and introduced myself. Although this was not the official way, and although a support position was neither planned nor approved, I got the job. Although the funding was not secured, I worked there for six years and supported problem cases, a path always opened up.

14. خدا راه های دیگری دارد. وقتی به او توکل می کنیم، نگاهمان از مشکلات، شکست ها و راه های مسدود شده خود دور می شود. خدا خدای بزرگ است، ما انسانهای محدود. همه احتمالات در دست اوست، ما فقط دنیای کوچک خود را می شناسیم و تنها گزیده هایی از آن را محدود می کنیم. زیرا همانطور که باران و برف از آسمان نازل می شود و به آنجا باز نمی گردد، بلکه زمین را مرطوب می کند و بارور می کند و جوانه می زند و دانه برای کاشت و نان برای خوردن می دهد، کلامی که از دهان من بیرون می آید چنین خواهد بود: خالی نزد من برنی گردد، بلکه کاری را انجام می دهد که مرا خشنود می کند و در کاری که به آن می فرستم موفق خواهد شد. (اشعیا 11:55-10)

14. God has other ways. When we rely on Him, our gaze is diverted away from our own problems, defeats and blocked paths. God is a big God; we are limited human beings. All possibilities are in His hands, we only know our small world and only limited parts of it. "For as the rain and the snow fall from heaven, and do not return there; but wet the earth, and make it fruitful, and cause it to grow, that it may give seed to sow, and bread to eat so, shall the word that goes forth out of my mouth be, that it shall not return unto me void, but shall do that which I please, and shall prosper in the thing that I send it for." (Isaiah 55:10-11)

15. اگر بخواهم چیزی را بهتر کنم و به خدا برگردانم، باید از خودم شروع کنم. برای این باید اجازه دهم که کلام خدا در قلب من بیفتد و آن را جذب کند. همانطور که یک مزرعه باران یا برفی را که روی آن می بارد جذب می کند. هیچ چیز بیشتر لازم نیست. خاک هیچ کاری نمی کند و با باران بارور می شود. در مورد کلام خدا هم همینطور است. کار دیگری ندارم، راه خدا آسان است. من باید به قول او پایبند باشم، همانطور که خاک از باران عقب نشینی می کند. و من باید کلمه را همان طور که هست بگیرم و آن را به میل خودم خم نکنم. همانطور که خاک منفعل است، من هم باید منفعل باشم.

15. If I want to improve something and turn it to God, I have to start with myself. To do this, I should let God's word fall into my heart and take it in. Just as the soil absorbs the rain or snow that falls on it. Nothing more is necessary. The soil does nothing and is made fertile by the rain. It is the same with God's word. I don't need to do anything else; God's way is easy. I have to give myself to his word as the soil gives itself to the rain. And I must receive the word as it is and not bend it to my desires. Just as the soil is passive, I too must be passive here.

16. برای این منظور من به یک نفس در زندگی روزمره نیاز دارم، زمانی آرام که در آن آگاهانه از زندگی روزمره جدا شوم و قلبم را به روی خدا باز کنم. این مهلت به عهده خودم است و باید روزانه باشد. زیرا هر چه بیشتر در برابر باران خدا مقاومت کنم، برای او آسان تر است که در زندگی من تغییر ایجاد کند، مرا در مسیر خود سوق دهد و مرا در مسیرهای آزاد به سوی آینده هدایت کند. کسی که روزی را با تقویت خدا شروع کند، محبت خدا را ساطع می کند، دیگران را آغشته می کند، کمکشان می کند، خوشحالشان می کند. و بنابراین به ثمر خواهد رسید.

16. For this I need a breathing space in everyday life, a quiet time in which I consciously step out of everyday life and open my heart to God. I am responsible for this breathing space, and it should take place daily. Because the more often I surrender to God's rain, the easier it is for him to bring about change in my life, to move me in his direction and to guide me onto clear paths into the future. Someone who goes into the day strengthened by God will radiate God's love, infect others, be a help to them, delight them. And so, he will bear fruit.

17. ما می توانیم آن را امتحان کنیم و از امروز شروع کنیم - آرام باشید، قول را قبول کنید و ببینید با ما چه می کند. هیچ چیز بیشتر لازم نیست. من با روزی 5 دقیقه شروع کردم که به موجب خواندن رمز عبور و در زیر برکت خدا روزم رو آغاز میکردم. الان سی سال است که دارم این کار را می کنم و امروز گاهی یک ساعت تمام می نشینم، نعمت های خدا به وفور جاری می شود و وقتی به چیزی نمی رسم دلم برای چیزی تنگ می شود.

17. We can try it out and start today - be quiet, take in the word of promise and wait to see what it does to us. That's all it takes. I started with five minutes a day, reading the word of promise and placing the day under God's blessing. I have been doing this for thirty years now, and today I sometimes sit with it for a whole hour, so abundantly does God's blessing flow, and I miss something when I don't get to it.

18. زیرا با شادی بیرون خواهید رفت و با سلامتی هدایت خواهید شد. 13 سرو به جای خار و مرت به جای گزنه خواهد روید. و این جلال برای خداوند خواهد بود، و نشانه ای جاودانی که زایل نخواهد شد.» (اشعیا 55:12 (a.13b) کسانی که چنین زندگی می کنند، تجربه خواهند کرد که نقشه ها و شکست های خنثی شده به راه خدا منتهی می شود و به برکت تبدیل می شود. ما دیگر آنها را به عنوان خار و گزنه نخواهیم دید که باید از میان آنها زحمت بکشند، بلکه درختان سرو و مرت هستند که عطر خود را استشام می کنند. وقتی به بن بست می رسم، وقتی نقشه ای درست نمی شود، برای مدت طولانی تری عصبانی نمی شوم، اما کنجکاو و پر از توقع هستم که خدا دوباره چه چیزی برای من در نظر گرفته است و چه شادی می خواهد. تا دوباره به من بدهی

18. "For ye shall go forth in joy and be led in peace. Cypresses shall grow instead of thorns, and myrtles instead of nettles. And it shall be for the glory of the LORD, and for an everlasting sign that shall not pass away." (Isaiah 55:12a,13b) Those who live like this will experience that thwarted plans and failures lead to God's way and turn into blessings. We will no longer perceive them as thorns and thistles through which we must laboriously work our way, but as cypresses and myrtles that exude their fragrance. When I get into a dead end, when a plan doesn't work out, I don't get angry for long, but I am excited and expectant about what God has in store for me and what joy He wants to give me again.

19. برای جلال خداوند خواهد بود.
(اشعیا 55:13 ب) این نام آخرین جمله از
متن خطبه ما است. چرا که نباید فراموش
کرد که این شادی و این موفقیت ها
دستاوردهای ما نیست، بلکه حاصل
خداست. و این چیزی است که ما باید
اعلام کنیم و گزارش کنیم. ما می توانیم اعتماد
کنیم که همه نعمت ها از جانب خداوند است.

آمین

19. "Let it be for the glory of the Lord." (Isaiah 55:13b) This is the last sentence of our sermon text. For we must not forget that this joy and these successes are not our achievements but are brought about by God. And we are to acknowledge and report this. We may trust that all blessings come from God.

Amen!